



از زنده اتیاز در سیرت
ج. پشیره وی

آذیر روزهای بکشینه - سه شنبه پنجمینده منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

جنزه شاه سابق را میخواهند چه کنند؟

خبر انتقال جنزه شاه سابق در معازل مکران و آزاد بوهران نکران شده بود تویید کرده است . مطابق این گزارش که از مرتضاه غلطی میباید که بواسطه دست بردگان او رسد میباید . دستهای جنایتکار با آوردن چند شاه سابق بایک تیرود نشان میزنند اولاً میخوانند بپهلوئانه که اولی از ایران طرفه ازی داشتند اما بران خودرا مستوجب جنایات و تعدیات او دانسته و میخوانند همیشه تحت زبانی که او بیادگار گذاشته است زندگی میکند تا بیا مردرو است به عاقلان او معصوم باشد و بدین و نظیر کلامها بپهلوئانه که با خود خودرا بیشتر از اهل دوست میداند . از جنایات و شرابکاری های او بدش

بنی اسماوات ملت و آزادی مردم را برای خاطر او زیر پا میکند . این نقشه و دام فیضت آزیمی است که بقصد مآله و مرفه اهلان اروپا به هر چه زودتر خودرا از اطراف آن کنار بکشند . مکرر گفته ایم مارزادمان را مسئول جنایات پندارند تا بدین امان جهت تا از یاز مادگان کلام سابق خلاف تعهدی مشاهده شده است پس کرده ام موروثه های خود کوچکترین گناه و اشاره ای در خدمت آنها بکار بریم و می آوردن چند شاه سابق جنبه عمومی دارد . اشخاص مرموزی میخوانند از مقام اعلی حضرت استفاده کرده این کار زشت را عملی بکشند و بگویند چون شاه سابق پدر سه حالیه است ملت از این باید گپنه و بنفش و تفررا که از کارهای او داشته فراموش نبوده است او را در آغوش خود جای دهند . مردم ایران شاه پهلوی را بیعواهنه وارد جنایات شاه سابق کردند او را در مابین انبویان میگویند رابطه و عهده تریا باشد .

این براهی که میخوانند زهر برای اعلی حضرت بکارواند راه خطرناکی است هر چه زودتر باید شاه هم تامل خودرا شایع بدند . شاه سابق را علاوه بر اخلاق غیرعادی خودی خود اطرافش بدون کتابنده برود . ملاطین با بدسی بکشند مستقبلاً با مردم تامل داشته طبق آزردی آنها رفتار نمایند . **جبهه شاه سابق** مانند تیری هستند که بچشم ستمه بگان دوره دیکتاتوری پرورفته مردم را در سبب به سلطنت بدین میکشند

جلسه مجلس شلوغ بود

بسیار از حق موافقت آمیز آقای ننه اسلامی که در خصوص خرابی جنس هرن و لزوم اصلاح آن بیان کردند آقای دکن مندرم در مخالفت کابینه اطاق مؤتری ایراد و از آقای که مریش بوده و نداشتند آب خواستند سیدضیاء الدین که همیشه بی نظار بود اعتراض کرده گفت در ممالک اسلامی ماء وضغان آب است و خود غرور آقای دکن معرب جوان داد که من هم میدانم مسلمانم و بدین اسلامی ملائمته ولی بدین است حال است که مریش میبایم و مانند سایرین برای نظار روزی نیکبیرم و دروغ هم نمی گویم دران بیانات دکن اولی شده بی برهلی سید ضیاء الدین شروع شد تا افسانین و نایبند برای دانو معتمد دست میزدند و اظهار غرور خونی میکردند بالاخره میان سدهای امری مردمان سید ضیاء الدین مرده باد شان جلسه از رسمیت افتاد .

چگونگی زبانه بردن سخنانی کرد

حمله شدید و بکنور هواری این نانون را که برای ما آورده اند نمی خواهم . چرا ؟ بیعت اینکه قانون سرب و آت است و آت و حربه بخردی خود کاری نی کنند و انبارش بدست است که ارا بکار بیاندازد و جان کلام همه اینجاست که این آت به دست چه اشخاص بکار میماند سروران منزه باشد که این سرب بدست نرند ؟ تویید که کنگو آزامی سپان می آید که در صورتی که کنگو سرب ترین مسائل مرتض است باید فوراً و بدون تردید بکنه معطل ابرو رفت و من در این مقام بقتض میگویم که چه چیز را بخواهیم سپس بیان خواهیم کرد که چه چیز را نمیخواهیم در هر امری که مل مغلوب هست و بقیه من درامت تلمیم گمال مغلوب این است که مجانی و اجباری باشد اجباری درودید ابتدائی و مجانی دوره در جنات تلمیم مجانی و اجباری حق گود است و ایشانه نباید کرد این حق سرفس از این حق بود است که با حق دولت هم از این خط می گذند

استخدام قابل استفاده کارشناسان شوروی در وزارت کشاورزی

وزارت کشاورزی برای دفع آفات دولتی از اتباع اتحاد جماهیر شوروی را استخدام کرده است . در این فیصل کارهای قابل کارشناسان شوروی از تمام ملل دیگر برای آمادگی تر است خصوصاً در کار دفع آفات نباتات که ضروری است شاک شوروی که دولت سرحدات ما را تشکیل میدهد دول شوروی ملاحظه خاصی دارند و می خواهند حشرات مودی از خاک ایران بکشاک شوروی سرب است .

و همیشه در مابین و ماباخ و موش سحرانی و غیره در این دولت کشاورزی ایران و شوروی از حیاط نزدیک می آید . هر دو می خواهند بد که کارشناسان شوروی در این کار بدون نظار خود نمای نمای بکشاک شوروی ایران خواهند رسید . و انکوی نباید فراموش کرد که جنوب شاک شوروی و همچنین آسیای جنوب از حیاط آسیا و شوروی و همچنین فلان چین مثل شاک سرزمین ما است . دولت شوروی ایران و عمران و آبادی این باقر در صفا

از روزنامه های سرشناس

حروف مطبوعه یکی از بر سید حروف مطبوعه از بیست و گزشتی سرب . کلت آیا با همین سرب است که مردم دردهای خود را میخوانند باولای امور بپهلوئانه . کزمت : با این اشکال مغضاب الفیاز از سرب میرزبان و حروف تپه با مطابرا با آن میبینند در روزنامه چاپ میکنند کلت چرا به مفر و کلت آنها فرو نیورده ؟ کزمت : برای اینکه به استعمال می کنند . کلت طرز استعمال بهتری به صورت است . کزمت : بقیه من باید آزارها در بکر در کوره آب کرده بوژن در مثال تو حق قالیها ریخت و بسویله نندک (حیوس) با بدی باوروت از نامه بیست قدم بست ز ساهم ازون خانی (که حرف بیتر و فلشان فرو نیورده) آتش کرد حنا نتیجه مطاوعه حاصل خواهد شد . رشت روزنامه البرز شماره ۲۷۵ ۳۱۷

درباره اقدامات کمته

نیات دلی اهلان . سرکاری کمته نیات باستان (بل پرس) اطلاعاتی در باره اقدامات کمته میزور در اختیار ما گذاشته است . خلاصه ای از آنها را در زیر میبینیم . خوانندگان عزیز ما را مطلع میکنیم . اولین اقدام که کمته میزور در نواصل آزاد به اسم ایلان بیل آورد : اصلاح بلیس بود که از آنها به تشکیل بیل بود . بجای بلیس میزور بلیس ملی تشکیل شده است و در تمام شهرهای ناحیه آزاد شده اولین مشورتن بیل گزشت است در ضمن حکمران صادر گشته است که تمام اموال متعلق با انان و متعاضی که با نهمان نباتات و پارک بدمشن ترفیق شده و با سازمانی بدست اهلان و استبان و با مردم محلی وارد آورده . باید ضبط کرده است .

شهاب دیگر کمته اجوات ملی نیز از قبیل شیشه بر و بیه و هوش اجتهای و بهداشت و اتحادیه های مختلف شروع بکار کرده اند . و شیه اموره در سرخ به نوبه صورت های اساسی مشورتن کرده است .

شهردار جدید از این صفا ای با نماند . بل پرس بیل آورده و اظهار داشته است که فراز امانا بدی در دست باقر در صفا

تسلیها قدمهای بسیار بزرگی برداشته و کارشناسان آنها تجربیت وسیعی اکتونند . اما در صورت همکاری نزدیک و حسن تفاهم متقابل از تجربه و معلومات و اصول کارهای علمی و علمی آنها استفاده های بزرگی بکنیم . موشق آزادی سحرای ترکتان به مدان که بیش از ابارهای بزرگتیه دیارا تشکیل می دهند برای ما بسیار جالب توجه است .

ماباید خیلی چیزها را از آنها یاد بگیریم . امروز باکام خودکم تنها یک ملت نیتواند نه تنها استقلال خود را تأمین بکند تازه این قبیل محصولات بازار ندارد . کشاورزی باید بالاخره صنعتی بشود و مواد خام از قبیل پنبه و ابریشم و پشم و زتون بکار چای و هزاران چیز های دیگر است که مال انحصار و صادرات ماسا را در تشکیل بدهد .

کشاورزان شوروی در این زمینه بیست هفت سال است دارند از روی نقشه علمی صنعتی کار میکنند و ما ناچاریم از آنها تقلید بکنیم با کارشناسان آنها شریک مساعی نمایم . این برای ما بسیار از آن تمام خواهد شد . برای اینکه کارشناسان شوروی در فرمان سدهای و فراعهد دستکاری میکنند و انکوی توسعه آن و هنر و شرف و برای خود هدف و آرزوی فراداده تشکیل بدهد . این خیلی اهمیت دارد .

تصحیح در شماره ۱۸۹ آذیر شین اخبار خارجه بجای اخبار فراداده شوروی ورومانی شوروی و باقر در صفا بدینوسیله تصحیح میشود .

در اطراف برنامه دولت

شبه از نسخه دوم

معرض تبریک کردند آنحضرت گنم میفرمودند برادر کشی و برای بیندازند و راه هم نداشتند بنام مسلك ساری بیان بگیدگر افغانند مردم را بنام اختلاف مسلكهای مختلف با بنام مذهب های مختلف با بنامون دیگر بیان بگیدگر افغانند و بداد کشی و اول افتاد بر اچه مردم با بیان بگیدگر افغانند از اچه خاطر آنکه ملت ایران را در مقابل دنیا نام نشان بدند برای اینکه دولتش که از این هفت و پنجاد بنشان دادن بودیدولت افغانند گمانش را هم نایق نشان بدند در دناوند بین مسلمان و کبیری دعوا راه افغانند دولت شاه کوچکترین سلو گیری از این حال نترست بکنند و حتی در واقع نیز تمسقا منزلت برای آن خود نمایی که در تریز ریخته شده است ممکن بد که در تریز با توفیق بکنش ببرد که کارگران و تحریک بکنری که کوفتش باعث آرامش ایران میشد و با توفیق بکنش تمام هلاکها که میخواستند آنجا را با بیابوند از مردم کرد و ساکت کرد همه مامورین شاه او را توفیق کردند و او را بیروبال دادند که بجای رسید که کارگران بکنند با مسائل بشند و ضابطان گنید و اعتراف کردند که این از آنها اطلاع دارد و آن وقایع هم آوری که آنجا افتاد که این خجالت بکنیم در رویی باید که ملت کجاست کجاست نام آوردند ایمنی - خواهش میکنم آن بکنند اسم بیاید

دکتر کاروز - آن بکنش خلیل افغان بود - آنوقت در تریز شاه زنده بود کارگر گفته شده بود زلفی شده

مجلس - بکنمک و با سایر زده چششان و مواضع ضررند و در آوردند

دکتر کاروز - بکنمک که هنوز جان و بدن داشتند - بردند و دفن کردند

در ملاز منعم مفرسورا با دست بند تیرید کردند

دکتر مانی - معلم نبود چاقو کش بود

مجلس کاروز - آقای ملک مدنی من گفته باشا مواضع شدم در موقع صحبت تیریدش معلوم شد (منه نایقان) منم فویده منم راجع بیابان صحبت میکنم - ملایر که ارت شده و شایسته منم میگنم اتفاقا گردید

جرا و داد و بداد منقول صحبت گنم بفریده از روی مانی - برادرم نامیاز - من مستنصر آقای ملک مانی است

دکتر کاروز - اما از همه موثر موضوع ایران است در وقتی شده میباشند بیستهای مردمی که در تمام ملک بفریده افغانی است اول

در مفاصل نشان تحریک کننده درک میجو خوشی فرزندانی آقای استاد را بگنمک است احسان گنم کردید این سخن سوابقش معلوم بود پیغم تصور کردم گنمک بشخص لاجرم شنید و بنده این مفاصل در کما جسدیم بروجهال جریان بود: شازده میگردد کار افشاران از مفاصل برداشته اما این مفاصل را ما در یک جای دیگر نشان نمادیم شش منم موزیم شدید شما که ایمن بر مفاصل افغان خودتان هستین و فیکه بقول خودتان حس گردید معالی شورای ملی مفاصل این مفاصل را بدست دکن میسوی است چرا این لایحه را آوردید - اولی چرا با آوردید صاف در وهیاس مطرح گنید و آوردید در مجلس صومری روز اول منم با این آیدانهای منم بکنمک - موقت کردند در مجلس تلخ که در آنوقت آسودند آسودند و شدند و اصلا موضوع ازین وضع خاصی جایی بکنمک شما نرم شدند بعدی مثال قسم کار و این روزهای بکنمک هلاک شد بنام دولت داشت استند میباشد شما تسلیم شدید موقت میفرماید برادرم در آمدیم به خوب بود شما میفرمودید بکنمک جانی بفرید بکنمک جانی بیابان اداره بگیدگر چندی بود و بکنمک رسید پیغم بیابورد اگر کسی گنمک که بیابورد ایران چه مردم زانی بودند در دوران پنجاه پیغم صحیح بود اگر می گنمک که مردم ایران پیغم شکر داده شد پیغم فاش افغانده بنده خجالت میکنم دو یکی ارجاسات بکنمک مردمی که چون همه مبارک در شان است و در این نام صومری سنا بکنمک بکنمک روزی هشتاد احتیاج دارند که بفریده بکنمک داشته باشند شایک گنمک بکنمک که در انا فانی گنمک در انا مامورین افغان بکنمک در افغان خود شما هم آوری وزیر داد و بداد گنمک با خلیل مطران (بیضید) گنمک و دو ماه تهران بکنمک مردم ایران شکرجوی دادند دشمنان بکنمک که چواره ملایر بکنمک مردم ایران که در ولایات هشتاد و اقلیتان بین هشتاد در صدان در قراء و مفاصل زندگی میکنند آنهم جنو مردم ایران هشتاد (مومنی بیور مردم تهران بکنمک افغانند) بیابان ایمن بد و ملت می استاد میباشند پیغم سال شما با سنا افغان دادگ گنمک افغان میباشند منم نشان بکنمک تمهیل کرد مردم روشن فکر این ملک هشتاد بین دوست نامیید تومان حقوق میباشند هیچ فکر این را گردید که باین حقوقی بکنمک با آنها میباشند بطور می توانند زندگی کنند - بعدا تمم استاد دانشکامی را منم شامم که تمام گفت گفتش بنامه شده است و سوراخ شده و این مرد بزرگ افغان و من توانا - تمم خود را درست گنمک استاد دانشگاه است در فرهنگ مورد احترام بود است و ملایر و سایر احترام می کردند و مورد نظر همه معلمین و استاد بفرایان که خوب تحصیل می کرد و این شخص گفت استاد این آقا برای دولت شاه شجاعت و است و بیاید پشت تریور و گنمک که من فلان کار را برای ملت ایران کردم که ما مردم را بر اراضی گنمک که مخالف با همیم و منم با شیوای شماست

توانا - گردید که با برای ملت ایران کردید که در همه از تریز فیدگان آردند و سر سنا بکنمک و شوا مرفشان ایشان بدید صومری بدید ما بکنمک با نون مرفشان برادرم - برای اینکه اینها بین قصیر بود انا بکنمک شکر داده و از کارشان اجبارا بیرون شدند منم پنجاه قبل اینها را می دانستم و نشناخته بودم در موفقی که بود و شکر بکنمک مادی داشته در حدود ۵۰۰ تن چای در سال - صرف چای کشور بود و شا و از ابراهام دوازده هزار تن چای موجود دارم نوج پیغم مانی بد مناسبت اینکه فند و شکر پیدا این شود و خیلی گران است صرف چایی از پنج هزار تن باین آمده در صورتی که شما مصرف سه سال ایران را دادید و در ایشارها نگاه میدارید و حال آنکه بنده نیکو را می شامم که امین بود - شکر هشتاد و می خواهنند از ملت ایران بپردازد و می گویند این این چایی مبارک آرداد بگنمک نیت چایی بکنمک باین می آید

بازرس در رادیو

نمایش که روزی از بنده در رادیو تهران گنمک شد بکنمک افغانهای بزرگ عالم تأیر موجب بشود

تیرسند روسی که در اول با تیسور و صوبه و اخلاق و کردار زبانی دوازی شهرستان مایک بکنمک از ایران تا برقی ایجاد کرده است

از شاه - اخلاص - سوا - تقاضا - تبریک و بدینین - سعادت - تیسورگی - طبعی و صیانت - پروردن - پندبایه - شور ستانها - را که در اول با تمم توانا و معکم خود ملد اینکند دوست غارو گنمک و برای ترها باقی گذاشته است

شاه و رئیس معرف - فرمانده ازین بست و تیسور و تمام روسای را که در دفتر شاه نشانی منم دهه در کار - کن نوای سرسند - سخن مطعی می توانید نشان دهید

سخن اخلاص خدایا - با همدم میان با نون روسای دوازی شهرستانها بیوفور پیدا بشود

این نشان را باید درین آبرناشا کرد - و در این با شکل می شود مقصود نوستا - سیر بر مملکت کرد

سخن از کارگران و اینرهای خوب از همه مردم آید منم اولاد اینر و اینر هتک و طرز بیان منم بود

بشهر ما که کولون اگر می دست در رادیو تهران می آید زورس را بن طرز مسخره آید بکنمک آوردند از اینر نوشتند رادیو تهران بنام در استانه از این قبیل آثار کردیم بسیار دقیق باشد

سخن فرزندها و روسای - برای گنمک نهای منم و همچنان می بر مینی با نون روسای منم بر ابراهام بکنمک رادیو ایران آید (بکنمک است در آید) آید و کورهای خنده روز بده آماده شود

برهان - روسای دوازی در حالیک از چه کردید خود آوردید خود بکنمک دارم - این اسباب ناسف است

یام نو

ناشر افکار اجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی ازجت چاپ و منتشر جات و از زانی نظیر نادر منتشر جات آن بقم زیده نویسمان معروف طهرانت بهای سالها ۲۴ و نبال - هر هفته ۲۰ ریال

رویه فروش - کتابهای سدی کناب فروش دانش و کناب فروش دایان خیابان فردوس کتابخانه آکادمیا دوربری سفارت گرای ترکیه ۳-۲

آگهی

کتابهای مهم زیر چاپ شده

برای فروش حاضر است

از کتابخانه آکادمیا خیابان فردوسی - برابر سفارت ترکیه خریداری کنید

رفیق استالین

سخن شرح زندگانی جالب نویسه مارشال کبر شوروی و مبارزه های سیاسی بنجاه ساله این مرد ای تاریخ و تحولات جبریت انگیز روسیه - (۲۴۰ ریال)

فرهنگ معیاشی کوپسک

دوازی مقداری از لغات سیاسی که برای جوانان امروز کناب ضرورت دارد (بها ۲۰ ریال)

دولت شوروی - دولت طرفین

که سازند - آلمانها و مفاصل داخل و خارج اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بجهی شرح بکنمک - (بها ۲۰ ریال)

کتابهای شوا و کیزسکهای شهری می توانند را چه کرده هدر مقدار بخواهند خریداری کنند - برای آنها تخفیف داده میشود

فرستادگان از ایران و هرستان نیز هر مقدار بخواهند صدی باز ده تخفیف منظور کرده و چه بابتها را بوسیله بانک ارسال دارند تا فرستاده شود - مخارج پستی تمام بعهده کتاب خانه آکادمیا است - ۳۶ خ ۳-۳

آگهی

کتاب دیکشنری و لغت سید ابوالعین طباطبائی تألیف امیل لوسوور فرانسی استاد دانشکده معوق که در ایام کودتا در تهران اقامت داشته در اداره روزنامه آژیر کوپسکهای روسی و کتابخانه آکادمیا کتابخانه کتالی خیابان پهلوی مقابل کتابخانه داری و کتابخانه حزب توده ایران خیابان نبال فروش میرسد

آگهی ضرورت

تاریخ ۱۹۳۳ - آقای لامرزا سید ابوالعین بیانشنامه شماره ۱۷۲۲۸ با سنا بگیدگر گراهی نام - فرزند شش هشتاد و دو خواستد ۲۲۴۴ - ۷۶۸ داده باینکه آقای کریم نورش داری شش هشتاد شماره ۱۹۸۸ تاریخ ۲۲۰۹۳۳ در تهران باینکه هشتاد و هشتاد فوت و حین الموت وونه متوفی منم - میرک پسر بنام آقای غلامرضا منم و بکنمک دانی بنام بانو رفقه بیانشنامه شماره ۱۷۲۲۷ غیر از دو نفر نامبرده وونه دیگری در ادیس از شین کوهی گراهان مراتب سه نوبت متوالی منم بکنمک آگهی می شود و با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر او این آگهی بیاید منم بر حسب تقاضا اقدام خواهد شوم اگر کسی وصیت نامه از متوفی داود دوظرف مدت مزبور ابراز و لازمه وصیت نامه ابراز رسمی و سربا شده از درجه اعتبار ساقط خواهد بود - ۱۷۲۲۷ تاریخ ۱۷۲۲۷

دروس شبه ۴ بخش تهران اسد زرین اقل

همه چیز خبر های جهان

بسته نکلن مرز سواد و فتلاند

انگلیس امروز عصر رسا اعلام شده که آلمانها نسبت شایان مرز سواد و فتلاند را سنا بدست آلمان - با معازان مرزی سوسیالیست که از او روزی میباشند فتلاند سواد سواد منم ماموت خواهد کرد

و از چه خواهد داد که بن فتلاند با سوادها در مرز تناس حاصل شود درین این اقدام آلمانها هلنیکتی خواهد که اعلام - دولت فتلاند که است که آلمانها بجز مرز سواد فتلاند حمله خواهند اعلام

افغانده روسیه دولت فتلاند این اقدام در خصانه این نوبده خود ابراز آلمان در حال جنگیباشند

نیروهای متفقین در شش میلی داخل خاک آلمان متغول

عملیات میباشند

ستاد ارتش متفقین - بفرای که فرستاد روس خبر خیرگرای انگلیس با مباد روز آینه از مرکز سواد ارتش متفقین گزارش داده نیروهای ارتش اول آمریکا شروع بعمله کل را برسان نموده و از دو هفته از مرز آلمان گذشته اند یکی از جنوب اکس لاشال و دیگری در شمال باختری بروم

درینا که از ابراهام و لوگور بزرگ آلمان نیروها بازده ملل در داخل خاک آلمان بیشترند

چاپخانه زواوه

موژیک ها

بزودی از طبع خارج میشود

پاورقی

بواسطه زینادی اخبار چاپ نشد

شهر دار تهران

و متجاوز مانده زانو بجان این ملت فقیر و بیچاره چسبیده با لک بکندگی دارند آن را زوری حد بسیار بستی سون می دهند.

فساد اخلاقی از حد گذشته

فلا و نه گرا که بنبر از فقر و بیچارگی و زحمت کشی گناهی ندارد از حقوق اجتماعی محروم بکنند؟ کدام قانون که مباح است این اختیار را با خود داده است؟

در کتاب کدام مفسر کفر و زندقه نوشته اند که در سبک آزار دادن و کوه چیدن و مصلک و آزادی زیرستان خود باید باشد؟

رخساران هیچ گناهی نداشته باشد همین سواد اخلاقی که باید پاک داشت برای مکتوبیت و کالی است.

اگر او متجاوز و مظلوم کش و بیادگر بود این بیداد گران کفر اینقدر گناه بار نبامند نه امروز اختلاف هر کسی - رخساران است هر کسی کم ترست. اما هر کسی می خواهد از کار خود سوه استاده نباید.

خدا ابرائی را از شر اینها حفظ کند که در باور دانه زده و امو می کنند.

چند گله حرف عدایی آقای ابتهاج وظیفه شایسته؟

الحمد لله دولت شاهان سرت آب چطور این گناهی ها را تا باقیال دنیا بدهد ها اگر میخواستند محبوبیتی پیدا بکنند این کار دشواری بود هوش آینه که بشیر برین اول کارندان وقت خود را تلف بکنند بی همی های باین شهر میزدند و نه گرا که امروز آزوری لاجبت هر بلخ شورانه اند بسا تنقوت و قدر دانی و اداری میگرد که چه و خیابان ها را پاک میگردند و کثافت کار هواز گون اراضی تویید آوری است جلوی دستو پای مردم جمع آوری نموده در خلج شهر آردش برند.

برای نمونه شیارا بیاج میررام نالی میکنم بروه آتجارا بیبیدیان سرکوز شهر است از گود زبور گناه نیخواهم حرف بزنیم کیدیا خیابان هارا مگر نی- بیدیا نازه که از امریکا تشریف نیاروده اید جمع آوری و لنگهاری اینها وظیفه شایسته چرا اقدائیکند؟ بیدیا دیوارهای خیابانهای کثرتی را که گنه گنه بی نادر از گنه وطن بکده قهقهه ترسیده دمانغان را بگیرد شهر- مستر با حق هوی سدهاست.

چگونه باید سخنرانی کرد

بیب از صحنه اول بیست قانونی شده چنگی است و من بر طرفه که این قانون را نشنا با نالفا کرده است به آن فرقه که میان لیست اما نعل است و دیدمان در حکومت است با در مجلس است اما میدانم هم جا ست و گوشش نیز است و آواز مرا میشنود به

آن فرقه کاتولیک خطاب میکنم و می گویم این قانون قانون شست و من بشا اطمینان ندارم

تعلیم کردن با شستن کردن است و من از آنچه شما میبازید بیم دارم - تربیت جوانان و روح آگود کارن و پرورش عقل ساده که تازه بر سر طایفه میباید هفت روح طایفه جوان یعنی تپه فرانسه را نمیخواهم باشا سزده خود زیرا ما بیامان میبازیم باشا با لیکتیکتیکتیک و من میفهمم اختلاف ما با اینها خود ما بنشیند و نمیخواهم دست شما بر سرشان زده باشد همدستان باشد من نمیخواهم آنچه بدو مان ما ساخته اند شما خراب کنید - بس از آن قانون این بترکه را میخوانم - این قانون این بترکه دارد چیزی میگوید اما کار دیگر میکند آزادیگی میگوید اما بنده میبهد بختش میگوید اما اشافی میخوانم - این قانون را بدخواهم و اینهمه چنین شایسته که زنجیر بگردن می کشند میگوید آزادی است هذاب میکند و میگوید حق هوی است

از این سخنرانی جمله دو جمله ۳۲ آژیر - ما دلمان میخراست افلا یدها در مجلس ملی بچینین ناقص می آرایش و لوسرزی داشتیم

بای دور بر رویه همان نظامی جاری بدین گفتی

شما خیال میکنید کتا که بپای که دو بترن تا خال شهر بمل سر آید بشا مربوط است؟

نصرت میگوید جمع آوری زان کتیب و هرزه و هر مانی که آوری خیابان ریخته اراضی و زمین بیخ میکنند تنها وظیفه حکومت نظامی است

آیا میدانید که اغلب جاهایی تهران از کسی آب چغالی پیدا کرده اند آب تصور میکنید که شهر تهران بر پشتی خا نه پیشتر از سینا انتخاب دارد؟

آیا میدانید که اغلب خیابان های مرکز شهر شیارا ج چراغ برق نادره نوی ستورانه و با سه از شمت روشنی چشان اسفند شهر میشود؟

آقای افتخار مشور نشوند همان سپهرهای که داریج بر سر راه نشاندن را میبردند طغیان های از شا پیشتر باشد

شازا وظیفه خود را بکنند بر این طایفه و نه گرا که با ضمایب بیوه فروشا و ستورانه و قهوه خانه ها چه بلای مردم میبارند؟

شما شهروندان هستید - بطور نسبی دادنی با خود باید آید من اجناس خرده فروشا حاضر نیستند ترغای بر سر راه درود فطری را باین بیورست

چرا عجلت؟

ما جدا مخالف مجازات تنی هستیم با قانون صدر الاشراف از همه بیشتر مخالفت کردیم و هر عمل هم ذاتی شد که این قبیل قوانین دور و راهواستند اگر آغاز گرائی چنانچه از او استیکرین کردند و در بداهه ای موسی دار میزدند کار با اینها بکنند و در عرض سه سال چندین هزار نفر از گرسنگی و ندرای و هم به ذاتی تلف میشدند حالا هم این قبیله را داریم - ۳۵۰ لادن و

تفسیر اخبار داخله

تنگر ای و باسخ در هفت گذشته آقای ساهه بر واسطه مسوول ماسیکلی کبیر امور خارجه حکومت ارنا را بنسبایت آزادی اربابین تبریک گفته ایشان هم با بخود اربابین و بیات ایران بواسطه تنگنار اظهار تشکر کرده است

اداره کار

اداره ملزوم دوزدارت پیشه و هنر اداره معصومی بنام آذکار تاسیس شده است - ماهوز از برنامه وظیفه این اداره جدید اطلاع نداریم - البته چنین اداره مورد نیاز بود

خرای اغلب ائمه انعام میباشند کارگران و انباده ای آنها بوزارت خفاغه ضرور مراجعه میکردند تا بیاد همین شیونبشاری بود آبها جواب باشد خود وزیر هم مسوول کارگران را می دیکر وزیران میبود - آنگاه اداره کار علاوه بر رسیدگی این کارگران برای وضع بیکاری و ایجاد سکار هم اقدام بکند - بسک اداره مفیدی خواهد بود

اگر انباده بدینوسیله برای چند نفر اهل ایالتی بترانه خطاب - جدا گان است

باید بدو آقای وزیر جدید چه جور از آب درخواسته آید در این تیل کارها است که راه اساسی اشخاص جوان بیست می شود

اخلاص و سوع استقامت

هر روز در روزنامه ها با جمیع اخلاص و سوع استقامت های شکست کارمندان بند بیا به دولتی ارقام آسترو تومیک منتشر میشود

تحت در این است که این نوشته ها را کسی ترتیب اثر نسیهد -

اینها منتهی برونه خود برای دزد بپای دیگری نشوق هم هست با وجود این بقیده ما باید بترت - مامی شویم روزنامه ای که چنین آمده با ذکر عتب اصالی بنشر شویند آنگاه آژیر برایشان

روزنامه آتش میولیس

دکتر هرمزی چهل تن نخ از عرض تقسیم مابین مصرف کنندگان با مستقرین بیاید گداخته است

ما همان دکتر بر خلاف مقروبات جواز صدور دهن لباس - سئل امریکالی باسم لا جودری فرزند بکنند تن اول آهن آب بنام آتشدنیار بکنانگی مبادرت کرده است

میر ساید است

مجازات بدنی را برای مرتکبان و بدنامی بدنامی با خود این مستقیمه که برای اصلاح و آزادی شهر تهران باید برود و این وظیفه ما ناسن تهران را بجای گران و خراش و نامانوس بیرون به بیانی است چه نافع میخوانم این تعلق زند تانین کاروا نکنند تهران وجب رسوائی برادرانین خواهد بود

شما کاتانکارها بنام زور کوی ما تمام کردید و تهاوی کبیه و از برای اقدای فرشان و قان و مطاوع و سبزی فروشان بر اینها است

ماه آزر گنده سردنی زدم

آقای ابتهاج اگر گنده سردنی زدم گوی این میولیس چه ممالید گفته های چاراک تکلیف بکنید

اگر این فیاضرا نکند بماند ملا

آژیر

دو باره اقدامات کمیته

نجات ملی لیستان

بیه از صحنه اول

آخیر بود که فرصت تغیر بر سر آزر گندی شهرهای لیستانی را نگردند و ستن هده زبانی از روسای آلمانی ادارات دو وایر و کور و لوبیان و سایر ارباب فرستند و اینها را فرستادند و در نتیجه کاز و آب و الکتریسیته دوشور بود میرسه و هیچ وجهی از توزیع آن پنداشتند - احتکار وجود دارد و قیمت ها بس از رفتن آلمانها فوری تنزل کرده - با پولک از افراد اهالی کبیه گردانده شده و قریب اهالی هزار نفر که از طرف آلمانها تبعید شده بودند به همز اولین بازگشته اند و تمام کارها با خود بکنند کار شده اند

شهر دوز مبروز چنین گفت: در زندان کی خود خیلی چیزها دیدم ولی هر کجین شور و شکی را که امروز وجود دارد و بیست هشتاد و تشکیلات بودی رخص زندگنی مشاهده می کنم - نسیم - من اطمینان دارم که با این موضوع و این گوشش که میشود مایک لیستان نوی سر و دموات ایجاد شویم کرد و بسک آینده نرخی و شمالی که در تاریخ کشور ما نظیر نداشت در مقابل ملت ما گنوده شده است -

بین وزیر مختار چکوسلاوا و مسکو و رئیس کمیته نجات ملی لیستان نیز بنسبایت ورود ارتش لیستان بسک آن کشور تا کفایت مینی بر تبریک و ابراز محبت و ایفای امر با بنده اخوت و همکاری دولت لیستان و چکوسلاوا میباید شده است -

تنگر ای دیگری از طرف مارشال تیتو بگفته نجات ملی لیستان بضمون این بوده است که بسیار جاهل بودیم میباشد - مارشال تیتو یکی از اولادترین سربان که ملت قربان اسلحه است و سربان ابراج که نجات ملی لیستان بسیار ذقبت میباشد - باری دولتنگر اف مبروز چنین گفته میشود

« بنام کمیته نجات ملی لیستان که از چنگ دستهای آلمانی نجات داده و بین ملت لیستان اتحاد جماهیر شوروی با بنظرین شازده که دولتی صادقانه را بر میزند که بسک بنسبایت شاطلی خود غوغو می میکنند

اطلاعات دیگری از بیاج میررام زندگانی ز نرال میباید که ولادیمیرسک در مانده ارتش لیستان (و البته بگفته نجات ملی) و آقای ادوارد ولادیمیر - او بود روسدگی و وزیر آلمان کبیه از طرف گزرازی کبیه بیات ملی لیستان بنا رسیده است که نجات ملی وقت می باشد و در شماره های رسیده - با مستحضار خوانندگان خواهیم آرد

سر امدین زود خود را سر بگذاشته استمان نشانی خود گران می آرد سر مبروز داروی کبیه بکنند

رفته گران بنسبایت کار خود گران - من ابتهاج و من اصناف را از گران اساسی با آنها داده است - شما کوچکنر از آن هستید بتوانید این حق را با ببال بکنید -